

تحلیل ساختاری نقش مؤلفه‌های موثر بر توانمندی کارآفرینان روستایی استان همدان با تاکید بر نقش مولفه های آموزشی – تروریجی

حسن ریحانی همدانی^۱

مریی گروه مهندسی مدیریت پروژه، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران

علی صفائی شکیب

گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

انیسه دهواری

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

محمد حاضری

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، ارزیاب خسارت صندوق بیمه محصولات کشاورزی

چکیده:

هدف این پژوهش تحلیل ساختاری نقش مؤلفه‌های موثر بر توانمندی کارآفرینان روستایی استان همدان با تاکید بر نقش مولفه های آموزشی – تروریجی می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، از فن پیمایش استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل کارآفرینان روستایی استان همدان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری ساده تصادفی نمونه آماری انتخاب و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSSWin22 و Amos Graphics استفاده شد. با توجه یافته‌های تحقیق در بخش استنباطی و مدل ساختاری زیرمقیاس‌های شرایط خانوادگی فرد کارآفرین، سطح دانش و آموزش و میزان دسترسی به نهاده های تولید، بیشترین تاثیر را بر میزان توانمندی کارآفرینان مورد مطالعه داشته است. با توجه به این ضرایب، کمترین میزان تأثیرپذیری مربوط به متغیرهای روانشناختی بوده و بیشترین تأثیرپذیری‌ها نیز مربوط به متغیرهای آموزشی هستند. براین اساس توصیه می‌گردد سازمان‌های مربوطه بخصوص، بخش ترویج و آموزش کشاورزی با شناسایی کارآفرینان پیشرو و رهبران محلی و استفاده از دانش آنان در تطبیق با شرایط طبیعی سبب انتقال آن به کارآفرینان شوند.

کلیدواژه‌ها: توانمندی، کارآفرینی، آموزشی – تروریجی، همدان

مقدمه

امروزه کسب و کارهای خانگی از بخش های حیاتی و ضروری فعالیت های اقتصادی کشورهای اقتصادی پیشرفته محسوب می شود. کسب و کارهای خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرصه محصول یا خدمات موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصادی هر کشوری می شوند (ابراهیم پور و صمدی، ۱۳۹۴). کسب و کارهای خانگی بزرگترین گروه کسب و کار در استرالیا بوده، به گونه ای که ۶۷ درصد کسب و کارهای کوچک و ۵۸ درصد کل کسب و کار در این کشور را شامل می شود (Hasan, 2009). همچنین، این گروه حدود نیمی از کسب و کارهای کوچک در انگلیس و ۵۲ درصد فعالیت بخش خصوصی در آمریکا را به خود اختصاص داده است و بخشی مهم از اقتصاد این کشورها را کنترل می کنند(هیسریچ^۲

^۱ - نویسنده مسئول: h_r_hamedanei@yahoo.com

^۲ - Hisrich

۲۰۰۲). تغییر ارزش‌های اجتماعی از یک سو، همچون تمایل افراد به آزادی و استقلال بیشتر از کار و حضور بیشتر در کنار خانواده و از سوی دیگر ارتقاء سطح استانداردهای زندگی در میان خانواده‌های امروزی که نیاز به درآمد بیشتر و بادوم را طلب می‌کند، دو نیروی متضادی است که برآیند آنان راه‌اندازی یک کسب و کار در خانه را سبب می‌گردد (Jacek, 2005). کسب و کار خانگی موجب کاهش نشت اقتصادی محلی به مناطق دیگر می‌شود و افراد محلی خودشان در منطقه‌ی خودشان کار می‌کنند و از نظر استخدامی خودکفایی به وجود آمده و رشد اقتصادی محلی پایدار تسهیل می‌شود. به این ترتیب نیروی بالقوه‌ای برای ترویج کسب و کارهایی که فرصتهای اشتغال محلی یا بومی خلق می‌کنند به وجود می‌آید (عباسی، ۱۳۹۰). کسب و کارهای خانگی نقطه‌ی شروع مناسبی برای جوانان است، زیرا راه‌اندازی آن در مقایسه با دیگر انواع کسب و کار ساده و آسان می‌باشد (Jain and Courvisanos, 2013). این نوع کسب و کارها برای افرادی که در مکان‌های دورافتاده ساکنند و زنانی که مسئولیت خانوادگی دارند نیز بسیار مفید است. از طرفی هم بسیاری از افرادی که کسب و کارهای خانگی به راه می‌اندازند تمایل به ایجاد توازن میان کار و زندگی خانوادگی دارند (مدرسی و همکاران، ۱۳۹۵). در این نوع کسب و کار افراد به دلیل ذینفع بودن، انگیزه‌ی بیشتری دارند، همین امر سبب می‌شود عملکرد بهتری داشته باشند و در نتیجه بهره‌وری افزایش یابد (میرلطفی و همکاران، ۱۳۹۳). توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط منجر به کاهش معنادار نرخ بیکاری می‌شود و سهم کسب و کارهای کوچک در کاهش بیکاری به طور متوسط ۳۰ درصد است. هم‌اکنون در ۱۵۰ کشور دنیا قانون مشاغل خانگی تنظیم شده است. کشورهای چین ۳۰ درصد، تایوان ۸۰ درصد و آمریکا تا ۲۰ درصد مشاغل‌شان را به کسب و کارهای خانگی اختصاص داده‌اند (غلامی، ۱۳۹۱). مشاغل خانگی در ایران نیز سابقه طولانی دارند و هم‌اکنون بسیاری از مشاغل آموزشی، صنایع دستی، بافندگی، حصیربافی، تولیدات دامی و شغل‌های فراوان دیگر در خانه‌ها و به خصوص به دست زنان روستایی انجام می‌گیرد و با توجه به نقش کلیدی کارآفرینی در ایجاد تحولات در جامعه، آنچه که به عنوان یک ضرورت در جوامع و در شرایط سخت کنونی بیش از پیش احساس می‌شود، اما در این بین به علت شرایط خاص اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی طبقات ضعیف جامعه این مهم از اهمیت دو چندان برخوردار می‌باشد (مقیمی، ۱۳۸۵) و لزوم فراهم کردن بستر توانمندسازی این افراد امری حیاتی است تا استعدادها و خلاقیتها‌ی آنها در جهت توسعه کارآفرینی و کسب و کارهایی خانگی به عنوان عامل مؤثر در تأمین اشتغال عمل کند. انگیزه اصلی محقق در انتخاب این موضوع برداشتن گامی هرچند کوچک در تحقق بخشیدن این تفکر است که مشارکت و بهبود توانایی‌های طبقات متوسط و ضعیف جامعه و تشویق آنها به کسب و کارهای خانگی می‌تواند به‌عنوان اصلی‌ترین عامل در حل مشکلات و نیازمندی‌های آنان باشد و این امر بالطبع از تمرکز و ارتباط یک‌سویه کارساز تر است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲). در این راستا با توجه شرایط حاضر در استان همدان که یکی از عمده‌ترین معضلات آن، بیکاری است و دامنه بحران بیکاری در این استان به قدری جدی است که باعث دغدغه فکری اکثر خانواده‌ها و مسئولین کشوری و استانی گردیده است. و پر واضح است که عدم استفاده و برنامه‌ریزی مناسب برای این منطقه آسیب‌پذیر، خسارت جبران‌ناپذیری برای کل کشور به دنبال خواهد داشت (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۵). این تحقیق در صدد است تا ضمن طراحی مدل بومی توانمندسازی کارآفرینان روستایی استان همدان با کاربرد رویکرد مدل معادلات ساختاری به این سؤال پاسخ دهد که چگونه می‌توان از طریق شناسایی عوامل فردی و عوامل محیطی موجبات توانمندسازی کارآفرینان روستایی را فراهم آورد.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ گردآوری داده‌ها، غیرآزمایشی و از دسته تحقیقات همبستگی است. از نظر فرآیند اجرا کمی و به‌لحاظ منطق پژوهش قیاسی و از لحاظ زمان انجام پژوهش طولی - گذشته‌نگر است. متغیر وابسته تحقیق توانمندسازی کارآفرینان مناطق روستایی استان همدان است که با توجه به شاخص‌های مطرح شده توسط یونیدو (۲۰۰۲)، بادن فولر و هافینگر (۲۰۱۳) و راگاف و همکاران (۲۰۰۴) با یک طیف لیکرت با ۱۶ گویه مورد سنجش قرار گرفت. متغیرهای مستقل تحقیق در بخش‌های ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های کسب‌وکار خرد کشاورزی و معیارهای مرتبط آموزش دسته‌بندی شد. جامعه آماری تحقیق، شامل مدیران کسب‌وکار خرد کشاورزی ایجاد شده استان همدان بود حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۱۶۰ نفر محاسبه گردید. ابزار اصلی جمع‌آوری و اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، پرسشنامه بود. برای تعیین روایی، از

روش اعتبار محتوایی استفاده شد. پایایی ابزار تحقیق با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه احراز شد (۰/۸۶). جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، در دو بخش مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی صورت پذیرفت. روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش تحلیل همبستگی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و مدل‌سازی معادله‌های ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos Graphics بودند. مدلیابی معادله ساختاری یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط متغیرهای مشاهده شده و مکنون است. از طریق این رویکرد می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه خاص با استفاده از داده‌های همبستگی و غیر آزمایشی، آزمون نمود. یکی از قویترین و مناسبترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری و علوم اجتماعی و مباحث سازمان و مدیریت تجزیه و تحلیل چند متغیره است. تجزیه و تحلیل چند متغیره به یک سری روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاق می‌شود که ویژگی اصلی آنها، تجزیه و تحلیل همزمان چند متغیر مستقل با چند متغیر وابسته است. چون ماهیت این گونه موضوعات، چند متغیره بوده و نمی‌توان آنها را با شیوه دو متغیری (که هر بار تنها یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود) حل نمود. (حسن‌زاده و مداح، ۱۳۸۷). پس از برآورد مدل اندازه‌گیری، ارایه مدل ساختاری یا آزمون معنی داری ضرایب مسیر فرض شده در مدل تحقیق و واریانس تشریح شده یا ضریب تبیینی است که به وسیله هر وسیله برآورد می‌گردد. از مدل نیز افزون بر بررسی و آزمون نیکویی برازش مدل تحقیق و تعیین میزان واریانس تبیین شده توسط هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق در قالب فرضیات تحقیق استفاده می‌شود (بایرن، ۲۰۱۰). برای برازندگی مدل نهایی از شاخص‌های کای اسکور (χ^2)، شاخص برازندگی (GFI) شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA) و شاخص میانگین مجذور باقیمانده‌ها (RMR) برای ارزیابی برازندگی مدل اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش استفاده می‌شود (کلانتری، ۱۳۹۲). با توجه به این که آستانه (معیار) دقیقی برای این شاخص‌ها وجود ندارد، دستورکار کلی زیر در ادبیات مطرح شده است: اگر مقدار χ^2 معنی‌دار نباشد، مقدار شاخص‌های NNFI، IFI و CFI بالاتر از ۰/۹ باشند، مقدار RMSEA کمتر از ۰/۸ و مقدار RMR کمتر از ۰/۱ باشد، برازش مدل مناسب و قابل قبول است (هومن، ۱۳۹۳).

یافته‌های تحقیق

- ویژگی‌های فردی پاسخگویان:

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان می‌دهد که میانگین سن آنها ۵۱/۱۲ سال است. بررسی نوع کسب و کار افراد مورد نشان داد که ۱۲ درصد بنگاه‌های مورد مطالعه مرغداری، ۲۳/۲ درصد پرورش گاو گوشتی، ۲۶/۶ درصد پرورش صنعتی گاو شیری، ۱۵/۴ درصد گلخانه صیفی‌جات و ۷/۷ درصد پرورش ماهی بود. سابقه کار پاسخگویان به‌طور متوسط ۱۳/۱۲ سال بود.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان استان همدان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سن	۴۵/۶۴	۹/۵۸	۲۷	۷۸
سابقه کار در کسب و کار ایجاد شده	۱۳/۱۲	۳/۲۹	۳/۵	۲۹
سابقه کار کشاورزی	۱۴/۰۴	۹/۴۰	۰	۳۳

- تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری

مدل‌های اندازه‌گیری: تحلیل عاملی تأییدی و سنجش اعتبار مقیاس‌ها

ابتدا هشت مدل تحلیل عاملی تأییدی یک عاملی برای ایجاد و سنجش اعتبار هشت زیرمقیاس ارتباطات، ویژگی‌های روانشناختی، ویژگی‌های مهارتی، شرایط خانوادگی، دانش و آموزش، دسترسی به نهاده‌ها، دسترسی به سرمایه و دسترسی به

عوامل زیرساختی به عنوان مؤلفه‌های ارزیابی توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد استان همدان در جهت ایجاد مشاغل خانگی در محیط نرم‌افزار Amos Graphics ترسیم و تحلیل شدند.

معیارهای مورد بررسی برای تأیید مدل‌های نظری تدوین شده با استفاده از داده‌های گردآوری شده هستند. این شاخص‌ها شاخص‌های برازندگی استفاده شده در واقع معیارهایی برای تأیید مدل‌های نظری تدوین شده با استفاده از اطلاعات میدانی گردآوری شده در این مطالعه است. این شاخص‌های در سه گروه شاخص‌های برازش مطلق (X^2 کای اسکور، RMR: ریشه دوم مربعات باقیمانده و GFI: شاخص نیکویی برازش)، شاخص‌های برازش تطبیقی (NFI: شاخص نرمال شده بنتلر - بونت و CFI: برازش تطبیقی) و شاخص‌های برازش مقتصد (RMSEA: ریشه مربعات میانگین خطای برآورد و PRATIO: نسبت صرفه جویی) تقسیم‌بندی می‌شوند. در بین شاخص‌های مختلف برازش، چنانچه ۳ الی ۴ شاخص از مجموع شاخص‌های اشاره شده در حد مناسبی باشند، مدل مورد نظر دارای برازش مناسبی خواهد بود (Hair et al., 2010). همان‌گونه که در جداول ۲ نشان داده شده است، تمامی هفت شاخص مورد استفاده فوق، اعتبار و برازش بسیار خوب هر هشت مدل اندازه‌گیری را با داده‌های گردآوری شده، تأیید می‌نمایند. بنابراین، زمینه برای تدوین و ارزیابی مدل اصلی تحقیق فراهم است.

ب) مدل تحلیل عاملی تأییدی هشت عاملی مرتبه دوم برای تحلیل متغیر پنهان توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد استان همدان در جهت ایجاد مشاغل خانگی

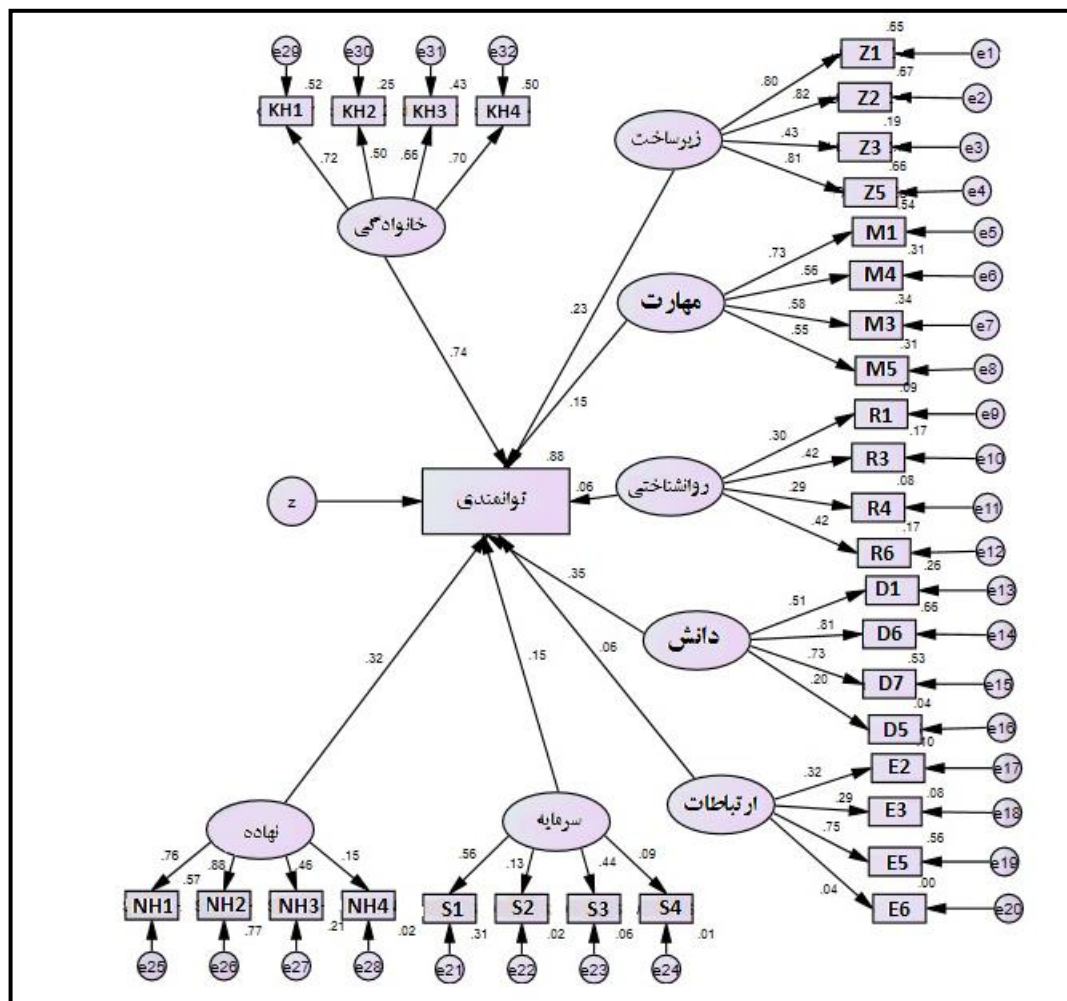
پس از اجرای تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول، در این بخش با توجه به اثرات علی در مدل مفهومی پژوهش و به منظور بررسی معناداری اثر هریک از متغیرهای پنهان اصلی و نیز رتبه‌بندی این متغیرها براساس میزان تأثیر آنها در تشکیل و تبیین سازی اصلی توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد استان همدان در جهت ایجاد مشاغل خانگی، از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد.

شکل ۱ که یک مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم با هشت عامل است، همراه با برآوردهای استاندارد ضرایب مسیر و واریانس‌های متغیرهای پنهان است. همان‌طور که مشاهده می‌شود برآورد واریانس‌های خطا و نیز کواریانس‌های تعریف شده بین خطاها کوچک هستند. همچنین، واریانس‌های متغیرهای پنهان خطا و نیز متغیرهای پنهان اصلی در همه‌ی موارد مقادیری معنی‌داری هستند که خود دلیلی بر اعتبار مدل است. به طور کلی، هرچه واریانس مشترک بین یک متغیر پنهان با یک متغیر مشاهده شده بیشتر باشد، از خطای اندازه‌گیری آن کاسته خواهد شد.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، تمامی ضرایب مسیر استاندارد تقریباً مقادیر بالایی را نشان می‌دهند و این امر در رابطه با بارهای عاملی متغیرهای مشاهده شده زیرمقیاس‌های شرایط خانوادگی، دانش و آموزش و دسترسی به نهاد و دسترسی به زیرساخت‌ها از شدت بیشتری در مقایسه با زیرمقیاس‌های ارتباطات، ویژگی‌های روانشناختی، ویژگی‌های مهارتی و دسترسی به سرمایه برخوردار است. به‌طور کلی، با حذف اثرهای خطاهای اندازه‌گیری در رویکرد معادلات ساختاری، ضریب تأثیرگذاری ارزیابی تسهیلات ارائه شده بر هشت مؤلفه ارتباطات، ویژگی‌های روانشناختی، ویژگی‌های مهارتی، شرایط خانوادگی، دانش و آموزش، دسترسی به نهادها، دسترسی به سرمایه و دسترسی به عوامل زیرساختی و به عبارتی ضرایب همبستگی بین ارزیابی تأثیرگذاری و هرکدام از هشت مؤلفه فوق، به ترتیب برابر با ۰/۰۶، ۰/۰۶، ۰/۱۵، ۰/۱۷۴، ۰/۳۵، ۰/۳۲، ۰/۱۵ و ۰/۲۳ به‌دست آمده است. مراجعه به برآوردهای خطای استاندارد، نسبت‌های بحرانی و سطوح معنی‌داری نیز نشان می‌دهد که تمامی این برآوردهای استاندارد در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار هستند. نهایتاً شاخص‌های برازش این مدل نیز همراه با مقادیر معیار پیشنهاد شده برای ارزیابی آنها، در جدول ۱۷ آورده شده است. لازم به توضیح است که شاخص کای اسکور به دست آمده برای مدل نهایی ۱۰۵/۲۵ (Sig = ۰/۹۲) بدست آمد. همان‌طور که گفته شده، سطح معنی‌داری مقادیر کای-اسکور بالاتر از ۰/۰۵ (چه در مدل اندازه‌گیری و چه در مدل‌های ساختاری) به معنی عدم تفاوت معنی‌دار یا نزدیکی مقادیر این دو ماتریس است و نشانه‌ای از مطلوبیت و اعتبار مدل تدوین شده بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده تلقی می‌شود.

مقدار کای اسکور این مدل در مقایسه با مدل‌های اندازه‌گیری پیشین بیشتر شده است. این امر ناشی از تفاوت بیشتر ماتریس واریانس - کوواریانس بازتولید شده براساس پارمترهای برآورد شده با ماتریس واریانس - کوواریانس مشاهده شده در این مدل

در مقیاسه با مدل های اندازه گیری پیشین است، ولی این اختلاف هرگز معنی دار نیست ($Sig = ۰/۹۲$) و کلیت مدل تأیید می شود.



شکل ۱- مدل ساختاری تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای برآورد توانمندی در حالت برآوردهای ضرایب استاندارد

جدول ۲. نتایج میزان انطباق مدل اندازه گیری با شاخص های برازندگی

شاخص	X^2/df	IFI	RMR	CFI	GFI	PRATIO	RMSEA
معیار پیشنهاد شده	≤ 3	$0/9 \leq$	$\leq 0/08$	$0/9 \leq$	$0/9 \leq$	$0-1$	$\leq 0/08$
مقدار گزارش شده	۲/۶۵	۰/۹۰۹	۰/۰۷۷	۰/۹۹	۰/۹۲۵	۰/۷۶	۰/۰۷۵

مأخذ: قاسمی، ۱۳۸۹؛ یافته های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۳. اثرهای کلی (مستقیم و غیر مستقیم) متغیرهای مشاهده شده و زیرمقیاس ها بر ارزیابی کلی توانمندی

ارزیابی کلی توانمندی	خانوادگی	زیرساخت	مهارت	روانشناختی	دانش و ارتباطات	سرمايه	نهاد
خانوادگی	۰/۷۴	-	-	-	-	-	-
زیرساخت	۰/۲۳	-	-	-	-	-	-
مهارت	۰/۱۵	-	-	-	-	-	-
روانشناختی	۰/۰۶	-	-	-	-	-	-
دانش و آموزش	۰/۳۵	-	-	-	-	-	-

-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۰۶	ارتباطات
-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۱۵	سرمایه
-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۳۲	نهاد
-	-	-	-	-	-	-	۰/۷۲		KH ₁
-	-	-	-	-	-	-	۰/۵		KH ₂
-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۶		KH ₃
-	-	-	-	-	-	-	۰/۷		KH ₄
-	-	-	-	-	-	۰/۸	-	۰/۱۸۴	Z ₁
-	-	-	-	-	-	۰/۸۲	-	۰/۱۸۸	Z ₂
-	-	-	-	-	-	۰/۴۳	-	۰/۰۹۸	Z ₃
-	-	-	-	-	-	۰/۸۱	-	۰/۱۸۶	Z ₅
-	-	-	-	-	۰/۷۳	-	-	۰/۱۰۹	M ₁
-	-	-	-	-	۰/۵۵	-	-	۰/۰۸۲	M ₄
-	-	-	-	-	۰/۵۸	-	-	۰/۰۸۷	M ₃
-	-	-	-	-	۰/۵۵	-	-	۰/۰۸۲	M ₅
-	-	-	-	۰/۳	-	-	-	۰/۰۱۸	R ₁
-	-	-	-	۰/۴۲	-	-	-	۰/۰۲۵	R ₃
-	-	-	-	۰/۲۹	-	-	-	۰/۰۱۷	R ₄
-	-	-	-	۰/۴۲	-	-	-	۰/۰۲۵	R ₆
-	-	-	۰/۲۱	-	-	-	-	۰/۰۷۳	D ₁
-	-	-	۰/۸۱	-	-	-	-	۰/۲۸۳	D ₆
-	-	-	۰/۷۳	-	-	-	-	۰/۲۵۵	D ₇
-	-	-	۰/۲	-	-	-	-	۰/۰۷	D ₅
-	-	۰/۳۲	-	-	-	-	-	۰/۰۱۹	E ₂
-	-	۰/۲۹	-	-	-	-	-	۰/۰۱۷	E ₃
-	-	۰/۷۵	-	-	-	-	-	۰/۰۴۵	E ₅
-	-	۰/۰۴	-	-	-	-	-	۰/۰۰۲۴	E ₆
-	۰/۵۶	-	-	-	-	-	-	۰/۰۸۴	S ₁
-	۰/۱۳	-	-	-	-	-	-	۰/۰۱۹	S ₂
-	۰/۴۴	-	-	-	-	-	-	۰/۰۶۶	S ₃
-	۰/۰۹	-	-	-	-	-	-	۰/۰۱۳	S ₄
۰/۷۶	-	-	-	-	-	-	-	۰/۲۴۳	NH ₁
۰/۸۸	-	-	-	-	-	-	-	۰/۲۸۱	NH ₂
۰/۴۵	-	-	-	-	-	-	-	۰/۱۴۴	NH ₃
۰/۱۵	-	-	-	-	-	-	-	۰/۰۴۸	NH ₄

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ستون ارزیابی کلی توانمندی مقادیر ضرایب رگرسیونی (اثرهای مستقیم) هشت زیرمقیاس و اثرهای غیرمستقیم متغیرهای مشاهده شده بر متغیر وابسته پنهان اصلی را نشان می‌دهد و ستون‌های بعدی نیز در بردارنده ضرایب رگرسیونی نهایی (اثرهای مستقیم) متغیرهای مشاهده شده بر زیرمقیاس‌های مورد بررسی است. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، بیشترین اثرهای غیرمستقیم بر ارزیابی تأثیرگذاری توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد استان همدان در جهت ایجاد مشاغل خانگی به ترتیب مربوط به متغیرهای مشاهده شده NH₂, Z₂, Z₅, D₆, Z₁, NH₁, E₅, D₇, M₁ و KH₁ است. با توجه به این ضرایب کمترین میزان تأثیرپذیری مربوط به متغیرهای روانشناختی بوده و بیشترین تأثیرپذیری‌ها نیز مربوط به متغیرهای خانوادگی و مهارت هستند.

لازم به ذکر است که سطح معنی داری برای تمامی اثرهای مستقیم نهایی براساس خطای استاندارد و نسبت‌های بحرانی گزارش می‌شود. همان‌طور که در جدول ۱۹ مشاهده می‌شود، سطوح معنی داری برای تمامی اثرهای مستقیم نهایی، بغیر از ارتباطات و روانشناختی کوچکتر از ۰/۰۱ هستند. لذا، می‌توان عنوان کرد که اثرهای مستقیم بدست آمده در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار هستند.

جدول ۴. خلاصه نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

رابطه	ضرایب غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد	نسبت بحرانی (C.R)	سطح معنی داری
نهاده‌ها <---> توانمندی	۳/۰۷	۱/۳۹	۰/۳۲۲	۲/۲	۰/۰۲۷
خانوادگی <---> توانمندی	۱/۱۴	۰/۰۹	۰/۷۳۸	۱۲/۷	۰/۰۰۰
سرمایه <---> توانمندی	۲/۸۵	۱/۱۱	۰/۱۵۱	۲/۶۵	۰/۰۱
زیرساخت <---> توانمندی	۰/۳۱۳	۰/۰۴۸	۰/۲۳۴	۶/۵۵	۰/۰۰۰
مهارت <---> توانمندی	۰/۵۴۱	۰/۱۳۸	۰/۱۵۴	۳/۹۲	۰/۰۰۰
دانش و آموزش <---> توانمندی	۰/۷۲۵	۰/۱۱	۰/۳۵۳	۶/۵۸	۰/۰۰۰
روانشناختی <---> توانمندی	۰/۴۸۱	۰/۴۲۳	۰/۰۶۳	۱/۱۳	۰/۲۵۶
ارتباطات <---> توانمندی	۰/۱۹	۰/۱۳۵	۰/۰۶۱	۱/۴	۰/۱۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحلیل نتایج همبستگی نیز گویای رابطه مثبت و معنی دار عوامل روانشناختی و آموزشی-ترویجی با رفتار زیست‌محیطی است. با توجه به آن می‌توان انتظار داشت که رفتار زیست‌محیطی گندم‌کاران تقویت شود و با رفتارهای سازگار با محیط‌زیست به روند کشاورزی خود ادامه دهند. از سویی، نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدل اندازه‌گیری سازه‌های نهفته پژوهش، یعنی عوامل روانشناختی و آموزشی-ترویجی نشان داد که نشانگرهای انتخابی در پژوهش به درستی انتخاب شده‌اند و بنا بر شاخص‌های برازش، دارای روایی و پایایی مناسبی بودند. با توجه یافته‌های تحقیق در بخش استنباطی و مدل ساختاری زیرمقیاس‌های شرایط خانوادگی، دانش و آموزش و دسترسی به نهاده و دسترسی به زیرساخت‌ها از شدت بیشتری در مقایسه با زیرمقیاس‌های ارتباطات، ویژگی‌های روانشناختی، ویژگی‌های مهارتی و دسترسی به سرمایه برخوردار است و با توجه به این ضرایب کمترین میزان تأثیرپذیری مربوط به متغیرهای روانشناختی بوده و بیشترین تأثیرپذیری‌ها نیز مربوط به متغیرهای آموزشی هستند. بر اساس مقادیر شاخص‌های برازندگی، ساختار کلی مدل تحقیق مورد تأیید است. همچنین، نتایج کسب شده از برآورد مدل ساختاری حاکی از آن بود که فرضیه‌های اصلی تحقیق مورد تأیید قرار گرفته و هر کلیه‌ی سازه‌ها اثر مثبت و معنی داری بر متغیر وابسته دارند، بر اساس مقادیر استاندارد شده، سازه آموزشی-ترویجی دارای بیشترین تأثیر را داشته‌اند، این نتایج با یافته‌های پژوهشگرانی مانند منته‌زاده و زمانی (۱۳۹۱) و اسحاقی و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد. این امر حاکی از اهمیت نقش آموزش در سوق دادن کارآفرینان است. در واقع با مورد توجه قرار دادن عوامل مؤثر بر نگرش افراد در راستای حفظ محیط‌زیست می‌توان انتظار داشت که سایر کشاورزان نیز تحت تأثیر قرار گیرند. نتایج نشان داد که تأثیر مثبتی عامل آموزشی-ترویجی بر توانمندی کارآفرینان وجود دارد. که نشان‌دهنده تطبیق‌پذیری بالای این کارآفرینان با آموزش می‌باشد و همچنین بیانگر درک مناسب آنان از شرایط کنونی و آگاهی از پیامدهای پیش روی است بر این اساس توصیه می‌گردد سازمان‌های مربوطه بخصوص بخش ترویج و آموزش کشاورزی با شناسایی کارآفرینان پیشرو و رهبران محلی و استفاده از دانش آنان در تطبیق با شرایط طبیعی سبب انتقال آن به کارآفرینان شوند.

منابع

- ابراهیم پور، حبیب و صمدی، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل مؤثر در توانمندسازی مجریان طرح‌های مشاغل خانگی: مورد مطالعه مددجویان کمیته امام خمینی(ره) شهرستان اردبیل، فصلنامه کار و جامعه، شماره ۱۸۵، صص ۵۲-۳۸.
- سپهوند، فاطمه؛ غلامرضایی، سعید، رحیمیان، مهدی و ملکشاهی، یدالله. (۱۳۹۵). نقش مشاغل خانگی و اهمیت آن در توانمندسازی زنان روستایی، ماهنامه شباک، سال دوم، شماره ۱، جلد ۳.
- غلامی، نادر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر راه‌اندازی کسب و کار خانگی و ارائه الگوی آن در شهر تهران، فصلنامه کار و جامعه، شماره ۱۴۳، صص ۱۸-۴.
- کریمی، آصف؛ بانکی پور، بهزاد، احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۹۲). تحلیل سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط (مورد مطالعه: کسب و کارهای کوچک و متوسط قزوین)، توسعه کارآفرینی، شماره ۲، صص ۳۲۶-۳۰۵.
- مدرسی، میثم، آراستی، زهرا، طالبی، کامبیز و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی برنامه‌های حمایتی دولت از رشد کسب و کارهای خانگی از دیدگاه زنان صاحب کسب و کارهای خانگی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، شماره ۱۴، صص ۴۶-۲۵.
- مقیمی، محمد(۱۳۸۵). نظام پیشنهادها در سازمان‌های دولتی از تئوری تا عملی، تهران: انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور.
- میرلطفی، محمودرضا؛ علوی زاده، سید امیرمحمد و بدخش، یوسف. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی اثرات توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۳، شماره ۵.
- هیسریچ، رابت دی و پیترز، مایکل‌پی. (۱۳۸۳). کارآفرینی (جلد اول)، مترجم: علیرضا فیض‌بخش و حمیدرضا تقی‌یاری، تهران، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- Hasan, L., (2009), "Participatory development, The Shifting Realities of International Cooperation", The City University and Howard Samuels Center, New York, pp18- 20.
- Jacek, H .(2005). Psychological empowerment at the workplace as a predictor health. Personality and individual differences, vol 39, pp. 1237-1248.
- Jain, A and Courvisanos, J. (2013). "Home based business in suburban peripheral regions and government policy: A case study of Casey", Melbourne, Australia. Australasian Journal of Regional Studies, Vol. 19 No. 2, pp. 295-318.